

کاربردها و تحولات جغرافیای انسانی در پنج سال گذشته

انقلاب اول در جغرافیا که از سال ۱۹۵۰ آغاز شده بود^۱ با تحولاتی که از سال ۱۹۷۰ به بعد در اصول، مفاهیم و کاربردهای جغرافیای انسانی حاصل آمد تکمیل گشت .

در دوره انقلاب دوم به ویژه در پنج سال اخیر ؛ سالم سازی

۱- انقلاب اول از اواسط دهه ۱۹۵۰ شروع می شود و در آن بهره گیری از آمار ، مدلها ، قوانین ریاضی و کامپیوتر در جغرافیا صورت می گیرد. در این زمینه بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۷ بیش از ۲۰ اثر علمی منتشر می شود که معروفترین آنها عبارتند از :

1- Paul M. Mather. Computer in Geography . Basil Blackwell. 1977.

2- Richard J . Chorley . Direction in Geography . Methuen. 1973.

3- Peter Hagget. Geography : A modern Synthesis . Harper 1972.

4- Richard J. Chorley and Peter Hagget. integrated Models in Geography. Methuen 1969.

محیط اقتصادی جامعه ، مسائل اقتصاد ناحیه‌ای ، نابرابریهای اجتماعی ، گسترش عدالت اجتماعی در توزیع و بهره‌گیری از خدمات دولتی و بالاخره تأکید در سلامتی جسمی و روحی انسان در رابطه با شرایط جغرافیائی، اساس کار جغرافیای انسانی قرار گرفت . به دیگر سخن، برتری و توسعه یافتگی ملتها در شاخصهای رفاه اجتماعی اعتبار یافت و مفاهیم شاخصهای رفاه اجتماعی بر همه زوایای جغرافیای انسانی سایه افکند . در این دوره تحقیقات جغرافیای انسانی بر محور آگاهی از نیازهای انسان و درمان بخشی دردهای اجتماعی و اقتصادی ناحیه ، عنوان جغرافیای مردمی را وارد ادبیات جغرافیائی کرد . در پنج سال گذشته منوگرافیهای ناحیه‌ای به سبک گذشته به عنوان سنگ قبر مکتبهای جغرافیائی اروپا درآمد و از آنها به مثابه تزیین سمورستانهای مکتبهای جغرافیائی استفاده شد این طرز تفکر در کتاب دوید اسمیت که از بزرگان جغرافیای اجتماعی است مورد توجه قرار گرفته است^۱ در این ۵ سال بیشتر مطالعات و تحقیقات جغرافیای انسانی با توجه به نیازهای جامعه روی این مسائل صورت گرفت :

- ۱- جغرافیا و توسعه .
- ۲- جغرافیا و رفاه اجتماعی .
- ۳- جغرافیا و برنامه ریزی .
- ۴- جغرافیا و نابرابری .
- ۵- جغرافیا و عدالت اجتماعی .
- ۶- جغرافیا و فقر روستا .

- ۷- جغرافیا و گذران اوقات فراغت .
- ۸- جغرافیا و خرده فروشی .
- ۹- جغرافیا و سیاست عمومی .
- ۱۰- جغرافیا و سیاست مسکن .
- ۱۱- جغرافیا و تکنولوژی وارداتی .
- ۱۲- جغرافیا و تحقیقات میان رشته‌ای .
- ۱۳- جغرافیا و جنایت .
- ۱۴- جغرافیای رادیکال .
- ۱۵- جغرافیای اجتماعی .
- ۱۶- جغرافیا و خدمات درمانی .
- ۱۷- جغرافیا و محیط گرائی جدید .
- ۱۸- جغرافیا و بازاریابی .
- ۱۹- جغرافیا و نیروی انسانی .

با این مقدمه بهتر است که ابتدا با نگاهی گذرا، کاربردها و تحولات جغرافیائی انسانی را در پنج سال گذشته در کشورهای انگلستان، شوروی، امریکا که در این زمینه مقامی برتر و شایسته‌تر یافته‌اند مورد مطالعه قرار دهیم و بعد وارد مباحث دیگری شویم .

جغرافیای انسانی در انگلستان در پنج سال اخیر :

- ۱- در انگلستان ۳۷ گروه آموزشی با ۶۰۰ استاد و مدرس و ۵۰۰۰ دانشجوی دوره لیسانس با ۵۰۰ دانشجوی فوق لیسانس و دکترا

فعالیت می‌کنند علاوه بر این در ۲۵ پلی‌تکنیک نیز دروس جغرافیا عرضه می‌شود.

۲- در دوره فوق لیسانس و دکترا، منوگرافیهای ناحیه‌ای نقش مهمی در تحقیقات جغرافیائی ندارند و تأکید بیشتر روی مسائل جغرافیای انسانی ناحیه صورت می‌گیرد. در اغلب گروهها، جغرافیا و برنامه‌ریزی گروه واحدی را تشکیل می‌دهند. از این رو فارغ‌التحصیلان جغرافیا در بازار کار با فارغ‌التحصیلان سایر رشته‌ها به ویژه اقتصاد در مرحله استخدام رقابت می‌کنند و این دانشجویان به عنوان کارشناس در برنامه ریزی عمومی، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و محلی بکار گرفته می‌شوند.^۱ برابر گزارش کمیته کار دانشگاه دورهام، فارغ‌التحصیلان چهار رشته این دانشگاه در سال ۱۹۷۷ اصلاً بیکار نبوده‌اند که جغرافیاییکی از این چهار رشته است. اصولاً تعلیم جغرافیا در دانشگاههای انگلستان برخلاف بسیاری از کشورها به درد تدریس و معلمی نمی‌خورد. بطوریکه در سال ۱۹۷۳ تنها ۰.۳٪ فارغ‌التحصیلان جغرافیا، شغل معلمی را در مدارس انگلستان انتخاب کرده‌اند.

۳- در پنج سال گذشته، در انگلستان، تحقیقات جغرافیای انسانی بیشتر در زمینه نارسائیهها، کمبودها، محرومیتها، مسأله درمان، عرضه خدمات درمانی، کمبود مسکن، رفاه اجتماعی، توسعه و عمران نواحی عقب مانده و مسأله اشتغال انجام گرفته است.

1- John w. House "Applid Geography in Britain"
Human Geography in France and Britain. IBG. 1976. pp.
45-49.

در این مدت با توجه به سالم سازی محیط زیست انسان، ارزش و اعتبار جغرافیای طبیعی بیش از پیش بالا گرفته و کاربردهای این شاخه جغرافیا کاملاً در خدمت مسائل انسانی درآمده است از آن جمله است: تحقیق در اثرات نوسانات بارندگی در زندگی مردم، خطرات روزهای یخبندان در جاده‌های اتومبیل‌رو، ذخیره آب شهرها، آماده‌سازی محیط طبیعی جهت بهره‌گیری مردم در اوقات فراغت، کیفیت استفاده از منابع طبیعی و بالاخره جلوگیری و پیش‌بینی حوادث طبیعی که به نحوی با زندگی مردم در ارتباط است.

در انگلستان نقش جغرافیای طبیعی، اساس کار کنفرانس امسال (۱۹۷۸) انجمن جغرافیائی بود که در دانشکده اقتصاد لندن برگزار شد. در این کنفرانس نقش جغرافیای طبیعی در حل مسائل محیط زیست، زبانها و منافع انواع آلودگیها، تحولات ژئومورفولوژی و کم‌اعتباری مکتب دویس‌گرائی، نقش تکنیکهای ژئومورفولوژی در حل مسائل محیطی از موضوعات مورد بحث بود^۱.

کاربردهای جغرافیا در اتحاد شوروی:

در اتحاد شوروی در ۳۳ دانشگاه و ۷۷ مؤسسه عالی تعلیم و تربیت، رشته جغرافیا تدریس می‌شود. جمع دانشجویان جغرافیا ۶۰/۰۰۰ نفر است و همه ساله ۸۰۰۰ نفر در رشته جغرافیا فارغ‌التحصیل

1- Pat Cleverley. "The role of Physical Geography". area. vol 10, Number 4, 1978. p. 285.

می‌شوند. در این کشور در گروه‌های جغرافیا روی چهار موضوع تأکید می‌گردد:

- ۱- ریاضیات.
- ۲- تئوریهای اقتصادی.
- ۳- علوم کامپیوتری.
- ۴- آینده‌شناسی^۱.

دانشکده جغرافیا در مسکو دارای ۱۴ گروه آموزشی در شاخه‌های مختلف جغرافیاست و فارغ‌التحصیلان آن می‌توانند برابر تخصص خود در ۱۵ مؤسسه، سازمان و وزارتخانه استخدام شوند از آن جمله است: مؤسسه اپیدمیولوژی و میکروبیولوژی، مؤسسه اقتصاد کشاورزی، مؤسسه انتقال خون، مؤسسه اقیانوس‌شناسی و ماهیگیری، مؤسسه سلامت اجتماعی، مؤسسه معماری، مؤسسه اقتصاد جهانی، مؤسسه انگل‌شناسی و طب بین‌المدارین، مؤسسه تجزیه و تحلیل بازارها، سازمان طرح‌های شهری، وزارت نیرو، مؤسسه طرح‌های عمومی، مؤسسه منابع نیروی انسانی، سازمان‌های حمل و نقل، مؤسسه اقتصاد بنیادی، مؤسسه کاربرد ژئوفیزیک، مؤسسه اکتشافات زمین‌شناسی نفت و ۹۸ سازمان دیگر. جغرافی‌دانان شوروی در آخرین برنامه پنجم‌ساله شوروی (۸۰-۱۹۷۶) که هم اکنون در دست اجراست نقش اول را دارند: این سه طرح که چهره بخش‌های بزرگی از شوروی

1- Dennis Shaw "Geography in higher education in the USSR" Journal of Geography in higher education. Autumn. 1977. pp. 35-39.

را تغییر خواهد داد به شدت جغرافی دانان را بکار گرفته است :

- ۱- توسعه کشاورزی و عمران روستائی در منطقه غیرچرنوبیوم روسیه اروپا .
- ۲- طرح عظیم بایکال - آمور در طول ۳۶۰۰ کیلومتر .
- ۳- بهره برداری از ذخایر سیبری غربی^۱ .

جغرافیای انسانی در امریکا :

تولد جغرافیای رادیکال

در ایالات متحده ، در ۵۵ دانشگاه دوره دکترا و در ۶۰ دانشگاه دوره فوق لیسانس و در ۱۸۰ گروه جغرافیا ، دوره لیسانس دایر شده است . جمع استادان و مدرسان گروههای آموزشی ۱۴۳۱ نفر است (۱۹۷۴) . به طور متوسط در هر گروه ۱۵ استاد و مدرس فعالیت دارد . دانشگاه ویسکانسین ، یکی از بزرگترین مؤسسات تحقیقاتی را بعد از سال ۱۹۷۰ تأسیس کرد . در اینجا ۶۰ استاد و محقق به تدریس و تحقیق مشغول اند . این مؤسسه به ۷ شعبه علمی تقسیم و در شعبه های آن ، تأثیر فعالیتهای اقتصادی انسان در طبیعت ، اکوسیستم دریاچه های داخلی

1- S. V. Kalesnik. F. F. Davitaya. "The tasks of Soviet Geography in Supporting Soviet Economic during the 10th Five-year plane". Soviet Geography. April 1976. pp. 217-220.

این مجله از طرف انجمن جغرافیائی امریکا به زبان انگلیسی در امریکا

منتشر می شود .

امریکا، تأثیر تغییرات آب و هوایی در تولیدات مواد غذایی، مسائل ناحیه‌ای، برنامه‌ریزی گذران اوقات فراغت، مطالعات جغرافیایی و عمرانی از طریق استفاده از ماهواره‌ها اساس کار را تشکیل می‌دهد.^۱ در حقیقت اساس کار مؤسسه تحقیقاتی ویسکانسین (مدیسن) مسائل انسان، جامعه و محیط می‌باشد. در اینجا جغرافی دانان، بیولوژیستها، فیزیک دانان، زمین‌شناسان و ریاضی دانان باهم همکاری دارند.

جغرافیای رادیکال :

دهه ۱۹۶۰، دهه تظاهرات عمومی بر علیه دولت امریکا، بر علیه جنگ ویتنام و تبعیضات نژادی در امریکا بود. در این دهه علوم از حالت سنتی و دانشگاهی خارج شد و درست نیازهای جامعه و مردم را در نظر گرفت. در بطن این تحول فکری جغرافیای رادیکال به وسیله گروهی از استادان و دانشجویان در دانشگاه کلارک تولد یافت و از ایده‌ئولوژی خاصی تبعیت نمود.^۲ در جغرافیای رادیکال، مطالعات جغرافیایی با جریانات اجتماعی زمان پیوند می‌خورد. در اولین شماره نشریه مکتب جغرافیای رادیکال، مقالاتی در زمینه دسترسی و عدم دسترسی به خدمات اجتماعی، فقر شهری و ناحیه‌ای و مسائل گروههای اقلیت

1- Yuriy G. Yermakov "Some observations on Geographic Education in American Universities". Soviet Geography. March 1978. pp. 206-213.

2- Richard peet. "The development of Radical Geography in the united States". progress in Human Geography. pp. 241-244.

در امریکا چاپ شده بود . اما به سبب نفوذ بیش از حد سیاست در جغرافیا ، عده‌ای زبان به انتقاد این مکتب گشودند .

از پیشگامان مکتب جغرافیای رادیکال می‌توان از دوید هاروی^۱ استاد جغرافیا و مهندسی محیط زیست در دانشگاه معروف جان هاپکینز را نام برد که کتاب معروف او تحت عنوان (عدالت اجتماعی و شهر) بحثهای زیادی را در مجلات جغرافیائی ، برنامه‌ریزی ، جامعه شناسی و اقتصاد برانگیخته است . در این مکتب از گروه جغرافی‌دانان سیاه پوست ، شاید ویلیام بانگک^۲ پرتلاش‌تر از همه بود . بانگک ابتدا در دانشگاه واشنگتن تدریس می‌کرد بعد به دانشگاه ایالتی وین^۳ به‌دترویت رفت . نظریات این دانشمند را می‌توان چنین خلاصه نمود: «جغرافی‌دانان باید همواره با مردم باشند ، نیازهای مردم را درک کنند و در رفع مشکلات آنها بکوشند و جهت مردم برنامه‌ریزی کنند و مردم را نیز در امر برنامه‌ریزی شرکت دهند ، مردم محل بسایند از طریق دانش جغرافیا راههای رفع مشکلات محیط خود را بیاموزند». در طی چند سال گذشته جغرافی‌دانان سیاه پوست مکتب رادیکال انجمنی تشکیل داده و در فکر انتشار اطلسی هستند که عنوان آن (اطلس عشق و نفرت^۴) انتخاب شده است .

یکی از جناحهای جغرافیای رادیکال جغرافیای آنارشستی است . این جناح به يك نوع معتزله گرائی در جغرافیا دست زده است .

- 1- David Harvey.
- 2- William Bunge.
- 3- Wayne.
- 4- Atlas of Love and Hate.

مکتب جغرافیای آنارشویستی، از مکتب فلسفی - اقتصادی آنارشویستی نیرو می گیرد و عدم تمرکز، مداخله محدود دولتها در امور مختلف، اصالت و آزادی انسان، زندگی در يك ساخت تعاونی، اساس فکر فلسفی آن را تشکیل می دهد. مکتب جغرافیای آنارشویستی، بیش از همه از افکار پتر کراپوتکین^۱ جغرافی دان و اقتصاد دان اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ متأثر است.

انجمن جغرافی دانان امریکا، هفتاد چهارمین کنگره خود را در آوریل امسال (۱۹۷۸) در شهر نشواورلثان برگزار کرد، در این کنگره که بیش از ۳۰۰۰ جغرافی دان شرکت داشتند تحقیقات جغرافیائی در ۲۰۰ جلسه مجزا عرضه شد.

مهمترین بخشهای کنگره عبارت بود از:

- ۱- جغرافیای ناامیدی: مطالعه افزایش تجاوزات مرگبار.
- ۲- خطرات حوادث طبیعی.
- ۳- منابع ساحلی.
- ۴- جغرافیای داد گاهی و مشاوره ای (مشاوره و جبران خسارات وارده با توجه به عوارض محیطی).
- ۵- جغرافیای ورزش.
- ۶- بخش جغرافیای اجتماعی.
- ۷- تکنیکهای کارتوگرافی.
- ۸- ادراکات محیطی.
- ۹- بخش جغرافی دانان سوسیالیست.

- ۱۰- نقش جغرافی دانان زن .
 ۱۱- حومه گرایی و کیفیت زندگی شهری^۱.

جغرافیای اجتماعی :

در پنج سال گذشته ، به سبب فقر جامعه‌های انسانی ، مسائل اجتماعی بیش از همه توجه جغرافی دانان را جلب کرد و در این میان جغرافیای اجتماعی به صورت شاخه مستقل از جغرافیای انسانی درآمد. بخشی از جغرافیای اجتماعی به جغرافیای خدمات اختصاص دارد و روی مسائل زیر تأکید می کند :

- ۱- عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه خدمات در سطوح روستائی، شهری و شهرهای بزرگ .
- ۲- مطالعه سطح خدمات عرضه شده در سطوح ناحیه‌ای .
- ۳- بررسی عرضه خدمات عرضه شده در رابطه با شرایط جغرافیائی .
- ۴- تحقیق در تأسیسات و سازمانهای خدماتی در رابطه با شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم .
- ۵- مطالعه کیفیت فضای اجتماعی در داخل کشورها .
- ۶- تحقیق در اکولوژی تطبیقی در داخل شهرها .
- ۷- مطالعه ترکیب جمعیت در رابطه با خدمات عرضه شده .

1- David A. Lanegran. "The AAG at New Orleans" area pp. 300-302.

۸- تحقیق در رشد ناهماهنگی و مسائل ناحیه‌ای .

۹- رابطه ایده‌تولوژی و محیط^۱.

با مطالعه شاخصهای اجتماعی و سیستمها که در مدل آمده است نقش عوامل جغرافیائی در برنامه‌ریزی اجتماعی به‌روشنی بیان می‌شود. در این مدل چهار قلمرو اصلی ، چهارچوب برنامه‌ریزی اجتماعی را تشکیل می‌دهد :

۱- اقتصاد ناحیه‌ای .

۲- منابع نیروی انسانی .

۳- ساخت اجتماعی .

۴- خدمات اجتماعی .

هریک از این شاخصها به شاخصهای فرعی دیگر تقسیم می‌شوند مثلاً منابع نیروی انسانی از ترکیب جمعیت، تعلیم و تربیت، نیروی انسانی و میزان مشارکت مردم شکل می‌گیرد . همه اینها در داخل بهداشت عمومی مردم و جابجائی افراد متمرکز می‌گردد و در آخر به پراکندگی و شکل فضای زندگی در شهرها ختم می‌شود (برابر مدل) . پیرامون چهار بخش را عوامل بیرونی ، سیاست ناحیه‌ای، عوامل نهادی و سطح درآمد و توزیع آن احاطه می‌کند . البته به هنگام بکارگیری این سیستم لازم است که آمارهای اجتماعی در یک سطح علمی و پیشرفته از نظر کمیت و کیفیت در دسترس محقق قرار بگیرد^۲.

1- Bridget Leach. "Social Geography Study Group" area. vol 10, 1978. Number 1, p. 73.

2- Morgan Sant. "Social disparities and regional Policy in Britain". in Social issues in regional Policy and regional Planning. pp. 235-236.

می‌دانیم که عوامل اجتماعی نمی‌تواند جدا از شرایط و عوامل اقتصادی و محیطی مؤثر افتد. لذا برابر مدل تنظیمی همه این عوامل در سیاست و برنامه ریزی ناحیه‌ای بهم گره می‌خورند.

پروفسور رابرت‌میر از دانشگاه کارولینای شمالی به‌هنگام بحث از برنامه‌ریزی اجتماعی که مراد از آن تغییر سیستم اجتماعی باشد به سه عامل تأکید دارد:

۱- دگرگونی در ترکیب افرادی که در سیستم اجتماعی شرکت دارند.

۲- تغییر در نقش مردمی که در داخل این سیستم هستند.

۳- دگرگونی در پایگاه‌های افرادی که در این سیستم می‌باشند.
تقریباً ۷ ماه پیش از طرف گروه جغرافیای اجتماعی وابسته به انجمن جغرافی دانان انگلستان کنفرانسی در لندن برگزار شد و موضوع کنفرانس ایده‌تولوژی و محیط بود و در این زمینه روی سه موضوع بحث‌های مفصلی صورت گرفت:

۱- ایده‌تولوژی و تحلیل مکانی Locational Analysis؛ در این قسمت گفتگوها بیشتر در زمینه تئوری تحلیل مکانی بود و اینکه تئوری فوق در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته طرح شده و ممکن است در پاره‌ای از کشورها به ویژه در کشورهای جهان سوم صادق نباشد.
۲- ایده‌تولوژی و اکولوژی؛ در اینجا روی کمبودها و نارسائیهای محیطی تأکید شد که انسان خود آفریده است.

۳- ایده‌تولوژی و برنامه‌ریزی^۱.

عده‌ای از جغرافی‌دانان معتقدند که جغرافیای اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی مسیرهای تحقیقاتی را تا ۰/۰۷۰ باهم می‌پیمایند که البته ارزش و اعتبار جغرافیای اجتماعی را می‌رساند.

بطوریکه قبلاً گفته شد جغرافیای خدمات بخشی از جغرافیای اجتماعی را تشکیل می‌دهد و دو شاخه اصلی آن عبارت است از:

۱- جغرافیای خدمات درمانی که نقش عوامل جغرافیایی را در توزیع خدمات درمانی در سطوح نواحی مورد مطالعه قرار می‌دهد و با عوامل اقتصادی، اجتماعی و اپیدمیولوژیکی رابطه پیدا می‌کند از پیشگامان جغرافیای خدمات درمانی می‌توان از گاری‌شانون^۲ از دانشگاه فلوریدا و آلن دور^۳ از دانشگاه ایالتی جورجیا را نام برد.

۲- جغرافیای خدمات فرهنگی:

پی‌ام شولقین استاد جغرافیا در دانشگاه مسکو چند ماه پیش اولین مقاله را در زمینه جغرافیای خدمات فرهنگی منتشر ساخت. در این بخش از جغرافیا از تأمین خدمات فرهنگی و نیازهای روحی انسان در رابطه با سینما، تأثیر، موزه‌ها، کتابخانه‌ها، پارکهای فرهنگی،

1- James Anderson. "ideology and environment". area. vol 10, Number 2. 1978, pp. 140-141.

2- Gary w. Shannon. G. E. A. Dever,

3- P. M. Shul'gin "The Study of Spatial differences in Cultural Enlightenment Services". Soviet Geography. June 1977, pp. 403-405.

نمایشگاهها، اردو گاهها، سیرکها و سالنهای کنسرت، خانههای فرهنگی، زمینها و سالنهای ورزشی همچنین از تولید خدمات فرهنگی، توزیع و نحوه عرضه این نوع خدمات با در نظر گرفتن همه شرایط اقتصادی و اجتماعی نواحی جغرافیائی سخن بمیان می آید.

به طور کلی جغرافیای اجتماعی در این پنج سال، بامددگیری از عدالت اجتماعی در جستجوی روزهای روشن برای جوامع انسانی است. تا آنجا که اخیراً کتابی در انگلستان تحت عنوان جغرافیای انسانی با نگرشهای رفاه اجتماعی منتشر گشت. روی جلد کتاب را یک تابلوی نقاشی زینت داده و در آن تابلو، رقص و پایکوبی، فضای زیبا و پردرخت با خانههای خوب دیده می شود کتاب با این شعر وردسورس شاعر معروف انگلستان شروع می شود:

زمانی بود که برای من چمن زارها، جویبارها، زمین و حتی هرچشم انداز عادی از شکوه بهشتی؛ طراوت و تازگی زندگی خبر می داد و حالت خیال انگیز داشت.

حال دیگر آن احساس سابق در من نیست.

ایکاش دوباره به آن روزگار برگردم.

اما چه در روز و چه در شب.

آن شکوه و زیبایی را که در گذشته دیده ام.

هرگز نخواهم دید.

جغرافیای انسانی و برنامه ریزی :

نفوذ جغرافیا در برنامه ریزی و تأثیر برنامه ریزی در جغرافیا سبب جهت گیری تازه در تهیه برنامه‌های جغرافیای در دانشگاه‌های امریکا ، کانادا ، انگلستان ، اتحاد شوروی و سوئد بود . لوئیز رابنسن از دانشگاه Brithish Columbia در کانادا در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: «اغلب جغرافی‌دانان کانادا معتقدند که جغرافی‌دانان می‌توانند برنامه ریزان خوبی باشند و این گروه در کانادا به هنگام استخدام با برنامه ریزان حرفه‌ای رقابت می‌کنند. بسیاری از دانشجویان دوره لیسانس علاقمندند که تحصیلات خود را در دوره فوق لیسانس ، در رشته برنامه ریزی ادامه دهند نه در جغرافیای محض^۱.

در سالهای گذشته ، جغرافیا به دیروز بیش از فردا توجه داشت. امروزه جغرافیای کاربرد با توجه به دیروز به فردا می‌پردازد . انستیتو تکنولوژی ماساچوست (MIT) دارای بخش‌های مطالعات شهری و برنامه ریزی شهری است و به سبب وسعت گیری مطالعات شهری ، این بخش به دانشگاه کوچکی می‌ماند که در آن ۱۳۲ موضوع مربوط به شهر تدریس می‌شود و یکی از معتبرترین و علمی‌ترین بخش مطالعات شهری را در سراسر دنیا بخود اختصاص داده است . در این مرکز بزرگ علمی از فارغ التحصیلان فوق لیسانس و

1— J. Lewis Robinson "The Production and Employment of Geographers in Canada". The Professional Geographer. May 1977. pp. 208-213.

دکتر تقاضا شد که ۹ رشته اصلی را در مطالعات شهری و برنامه‌ریزی شهری که در کار استخدامشان مهم بوده است به ترتیب نام ببرند .
فارغ‌التحصیلان به ترتیب از این ۹ رشته یاد کردند :

- ۱- برنامه ریزی مسکن .
 - ۲- برنامه ریزی فیزیکی .
 - ۳- توسعه اقتصادی .
 - ۴- اداره محیط زیست .
 - ۵- حمل و نقل .
 - ۶- رفاه اجتماعی .
 - ۷- برنامه‌ریزی بهداشتی .
 - ۸- برنامه ریزی آموزشی .
 - ۹- برنامه ریزی جهت جلوگیری از جرم و جنایت .
- نگارنده با مطالعه این نتایج که در شماره ۲ سال ۱۹۷۶ نشریه انجمن برنامه ریزان امریکا چاپ شده مقایسه‌ای با کار متخصصین جغرافیای انسانی در پنج سال اخیر بعمل آورده است که بعرض می‌رسد :

جغرافی دانان

- سیاست خانه‌های ارزان قیمت ، مردم و مسکن، مسکن و پایگاههای اقتصادی و اجتماعی.
- مهار کردن اثرات محیط طبیعی ، انتخاب زمینهای اطراف شهرها جهت گذران اوقات فراغت، بیوژئوگرافی شهری، آب شهرها و مسائل دیگر .
- ابعاد توسعه در فضای زندگی .
- کارهای انجام شده در امریکا، کانادا و شوروی .
- حمل و نقل و توسعه شهرها و روستاها .
- جغرافیای رفاه اجتماعی .
- جغرافیای خدمات درمانی ، جغرافیای بهداشت روانی، محیط و امراض .
- جغرافیای خدمات فرهنگی.
- جغرافیای جنایت، رابطه محیط‌زیست با جرم و جنایت.

برنامه ریزان

- ۱- برنامه ریزی مسکن و خانه سازی
- ۲- برنامه ریزی فیزیکی
- ۳- توسعه اقتصادی
- ۴- اداره محیط زیست
- ۵- حمل و نقل
- ۶- رفاه اجتماعی
- ۷- برنامه ریزی بهداشتی
- ۸- برنامه ریزی آموزشی
- ۹- برنامه ریزی جهت جلوگیری از کجرویها

با توجه به آنچه که در رابطه جغرافیا و برنامه ریزی گفته شد دو جغرافی‌دان معروف اتحاد جماهیر شوروی یعنی گراسیموف و آرماند با در نظر گرفتن روش کار جغرافی‌دانان ، طبقه بندی زیر را ارائه می‌دهند :

- ۱- جغرافی‌دان برنامه ریز .
- ۲- جغرافی‌دان تجربی .
- ۳- جغرافی‌دان طراح .
- ۴- جغرافی‌دان محقق .
- ۵- جغرافی‌دان نظری^۱ .

معیارهای جغرافیائی توسعه :

متفکرینی که بار فلسفی خاصی را بدنبال می‌کشند مثل هربرت مارکوز^۲، پتر مدور^۳، ایوان ایلچ و جی ائل^۴ به تکنولوژی مهار نشده و رفاه فاسدکننده می‌تسازند . اما شاید اولین بسار است که عنوان توسعه جغرافیائی در برابر توسعه اقتصادی ، توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی مطرح می‌شود و در این راه بیش از همه مدیون پروفیسور هاروند وود

1— D. L. Armand, I. p. Gerasimov and V. S. Preobrazhenskiy "Elements of a Forecast of the evolution of Geography of Scientific Discipline". Soviet Geography. Sept. 1975. pp. 421-427.

2— H. Marcuse.

3— Peter Medaware.

4— J. Ellul.

استاد جغرافیا در دانشگاه مک مستر کانادا هستیم . این محقق در تعیین معیارهای توسعه جغرافیائی از عدالت اجتماعی، تکنولوژی مهار نشده، کنترل آلودگیهای محیط زیست ، سلامتی و رفاه اجتماعی ، کیفیت زندگی و تهیه سرمایه لازم جهت مناطق کم توسعه کشور بهره می گیرد و در شناخت توسعه جغرافیائی حتی از میزان استفاده طبقات مختلف جامعه از اوقات فراغت سخن بمیان می آورد و بعد به سیر قهرائی توسعه می پردازد^۱ .

جغرافیا و تکنولوژی :

جهان سوم در امر توسعه و پیشرفت به تکنولوژی کشورهای صنعتی توسل جسته و در این راه با سرمایه گذاریهای سنگین نتوانسته است به توسعه دلخواه دست یابد .

جهان سوم در رابطه با شرایط اقتصادی، اجتماعی و طبیعی خود باید به موارد زیر به هنگام اخذ تکنولوژی توجه نماید :

- ۱- توسعه از سطح پائین .
- ۲- وابستگی تکنولوژی وارداتی با سیستم اجتماعی .
- ۳- خودکفائی .

دانشمندی بنام فریتز شوماخر با توجه به وضع ناسف آور کشورهای جهان سوم طرح تکنولوژی میانه ای را مطرح می سازد که از شرایط زیر نیرو می گیرد :

1- Harold A. wood. Geographical Review. october.

۱- کوچک است .

۲- ساده است .

۳- ارزان است .

۴- بدون عوارض شدید می باشد .

شوماخر به ما یاد می دهد که تکنولوژی از نوع متوسط در دستهای جماعات کثیری از مردم قرار می گیرد و از نابودی تکنولوژی بومی و سنتی کشورهای جهان سوم جلوگیری می کند. در حالی که تکنولوژی کشورهای صنعتی؛ بزرگ، پیچیده، گران و با عوارض شدید، محیط زندگی کشورهای جهان سوم را کاملاً تهدید می کند .

نگرهای جدید در جغرافیای اقتصادی :

جغرافیای اقتصادی در پنج سال گذشته خود را بکلی از مراکز تولید نفت و زغال سنگ، گندم، برنج و چای رها ساخته و آنها را یکسر به کتابهای دبستانی سپرده است .

در اینجا با استفاده از مقالات میشل چیشم^۱ از دانشگاه کمبریج، جودیت ریس^۲ از دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن و سالیکوف از اتحاد شوروی راه جدید جغرافیای اقتصادی زمان ما به این شرح نشان داده می شود :

1- Michael Chisholm "The Changing basis of Economic Geography". Geography. Vol 62. Part 4. 1977. pp. 286-290.

2- Judith A. Rees.

مقاله جودیت ریس نیز در همان شماره مجله جغرافیا چاپ شده است .

- ۱- مطالعه نقش دولتها در توسعه اقتصادی ناحیه .
- ۲- مطالعه روند توسعه اقتصادی در ناحیه .
- ۳- بررسی فشارهای جامعه روی منابع طبیعی .
- ۴- ساخت اقتصادی ناحیه و علل عقب ماندگی آن .
- ۵- تجزیه و تحلیل اقتصادی مسائل محیط زیست نظیر اثرات اقتصادی انواع آلودگیها در محیط زندگی .
- ۶- جغرافیای نیروی انسانی .

مطالعات میان رشته‌ای :

جغرافیای انسانی در راه آگاهی از کیفیت زندگی، سطح نیازها و رفاه اجتماعی مردم، دیگر تعصبی در تعیین مرزهای خود ندارد و اغلب با همراهی رشته‌های دیگر و با بپای آنها در مسیر شناخت نیازهای انسانی حرکت می‌کند و استفاده از علوم وابسته را شدیداً توصیه می‌نماید . از این رو در سالهای اخیر ، جغرافی‌دانان ، تحقیقات و مطالعات خود را علاوه بر مجلات جغرافیائی در مجلات معتبر علمی مثل برنامه ریزی ، اکولوژی ، اقتصاد شهری ، مطالعات ناحیه‌ای ، مطالعات شهری ، برنامه‌ریزی مسکن بچاپ می‌رسانند . این مقالات از اعتبار و ارزش علمی بیشتری برخوردارند زیرا در مجلات کاملاً تخصصی انتشار می‌یابند .

در چند سال گذشته ، جغرافیای طبیعی نیز به مسیرهای تازه‌ای دست یافت . ژئومورفولوژی در کاوش و شناخت منابع معدنی مثل طلا ، الماس ، قلع، کوارتز و سایر منابع ارزشمند نقش فعالی برعهده

گرفت و در برخی کشورها ، ژئومورفولوژیستها در تعیین محل ناحیه صنعتی و تأسیسات جدید صنعتی بازمین شناسی مهندسی برقابت پرداختند. ژئومورفولوژیستها بیش از زمین شناسان در تحقیقات مربوط به ناهمواریهای زیر اقیانوسی فعالیت داشتند و در آگاهی از منابع معدنی فلات قاره با استفاده از کاربرد دانش ژئومورفولوژی به یاری جوامع انسانی شتافتند . در چند سال اخیر ، هیدرولوژی و طیفه بزرگی در تکنولوژی آب ، آبیاری و شناخت منابع آبها بعهدہ گرفت .

کریوژئوگرافی^۱ در جلوگیری از سقوط بهمین و نابودی تأسیسات انسانی همچنین در استفاده از یخ و برف مناطق برف خیز به ارج و اعتبار رسید . بیوژئوگرافی در توسعه و احیاء جنگلها و علفزارها کوشا بود و این شاخه از جغرافیای طبیعی به همراه جغرافیای پزشکی و زمین شیمی در شناخت راههای کنترل امراض به هدفهای برنامه ریزی بهداشتی کمک بسیار نمود^۲.

نتیجه گیری و پیشنهادات :

۱- در امر توسعه ، هیچ شاخه علمی مثل جغرافیا به محیط زیست انسان توجه نداشته و هیچ شاخه علمی نظیر جغرافیا به عدالت اجتماعی در عرضه خدمات اجتماعی تأکید ندارد .

1- Cryogeography.

2- Y. G. Saushkin. "The role of geography in the definition and Solution of the problems Associated with the Soviet Economy". Geoforn, vol 7. № 3. 1976. p. 162.

۲- در جغرافیای انسانی در رابطه با توسعه جغرافیائی، توسعه تکنولوژیکی مطرح می‌شود که بیانگر امکانات جامعه در تسلط و کنترل محیط زیست خود می‌باشد. لازم است که این دو مفهوم یعنی توسعه جغرافیائی و توسعه تکنولوژیکی به موازات هم و منطبق بر هم عمل کنند. به‌عنوان توجیه مطلب یاد آوری می‌نماید که سطوح کاملاً پیشرفته تکنولوژی ممکن است سطوح توسعه جغرافیائی مطلوب را فراهم نسازد و حتی موانع اجتماعی، سیاسی و روانی جهت توسعه و پیشرفت بوجود آورد. بر عکس حصول نسبی به یک سطح مطلوب توسعه جغرافیائی حتی با وسایل ساده تکنولوژی ممکن است باروری و کارآئی فرهنگی جامعه را برساند. مفهوم توسعه جغرافیائی عوامل مادی و غیر مادی فضای زندگی را وحدت و تجانس می‌بخشد. در اینجا است که دانش جغرافیا از سایر دانشهای مشابه متمایز می‌گردد. مثل این است که غنی‌ترین و وسیع‌ترین قلمروهای تحقیقاتی در زمینه توسعه و محیط در اختیار دانش جغرافیاست.

۳- در کشور ما، اغلب نوشته‌های جغرافیای اقتصادی فاقد مددگیری از تئوریهای اقتصادی، علم آمار و جامعه‌شناسی است. در نتیجه فاقد ارزشهای برنامه‌ریزی و آینده‌شناسی است. شاخه‌های مختلف جغرافیای انسانی نتوانسته است راهگشای مسائل جامعه ما باشد. در نوشته‌های جغرافیائی، صحنه زندگی به خوبی ترسیم می‌شود اما جهت دست‌یابی به یک زندگی مطلوب و شایسته راهی نشان داده نمی‌شود.

۴- بنظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است که در جهت رفاه اجتماعی جامعه و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جلوگیری از

عوارض تکنولوژی مهار نشده و تکنولوژی وارداتی بیش از گذشته به جغرافیای اجتماعی و توسعه توجه کنیم. چراکه این بخش از جغرافیا، جغرافیای اصیل و راستین زمان ماست. فکر می‌کنم منصفانه خواهد بود که عده‌ای از جغرافی‌دانان ایران، بخشی از زندگی خود را بی‌مضایقه و یکسره در مطالعه مسیرهای جدید جغرافیا که با رفاه اجتماعی جامعه در ارتباط است قرار دهند.

۵- استخدام یک متخصص آمار در گروه‌های جغرافیا فوق‌العاده ضروری می‌نماید تا دانشجویان از این همه آمارهای خام و بی‌نتیجه‌رهایی یابند و آمارها واقعیتها و آینده‌نگریها را با روشهای علمی نشان دهد. در این زمینه تدریس چند واحد درس آمار توصیه می‌شود.

۶- این گفته دویدهاروی اندیشمند بزرگ جغرافیا را که گفته است: (چه نوع جغرافیا و برای کدام جامعه و کدام سیاست عمومی) همواره در تدوین برنامه‌های دانشگاهی در نظر داشته باشیم. اجازه می‌خواهم این گفتارم را با داوری حکیمانه آیزایابومن جغرافی‌دان خوب امریکائی پایان برم: «دانش ما مثل یک قطره است و غفلت ما به وسعت یک دریا»^۱.

۱- متن سخنرانی در ششمین کنگره جغرافی‌دانان ایران (اصفهان شهریورماه

منابع

Abler, Janelle, Philbrick, Sommer. Human Geography in a Shrinking world. Duxbury Press. 1975. pp. 289-301.

Bacon, Phillip. Focus on Geography. National Council For the Social Studies. Washington. 1970, pp. 63 - 68, 197 - 199.

Chisholm , Michael . Studies in Human Geography . Heinemann. 1973, pp. 272-287.

Chagula' K. W. "Someone must Choose',. Mazingira. №. 5. 1978. pp. 28-31.

Cleverley , pat . "The role of Physical Geography". area. vol 10, № 4, 1978. p. 285.

Cook , U. R . "Geography in the United Kingdom . 1972-1976" The Geographical Journal , vol. 142. part 1 , March 1979.

Cook, Ronald, James H. Johnson. trends in Geography. pergamon press. 1969, pp. 199-207, 210-218.

Chorley, Richard , Hagget , peter . integrated Models in Geography. Methuen. 1969. pp. 521-523.

Chorley, Richard and Hagget peter. Socio-Economic Models in Geography. Methuon. 1968. pp. 377-386.

Carol, Hans "Stages of Technology and their impact upon the physical Environment: A basic problem in Cultural Geography". in Cultural Geography Edited by Fred E. Dohrs and Lawrence M. Sommers. Thomas Y. Crowell Company. 1967. pp. 284-299.

D. L. Armand. I. P. Gerasimov "Elements of a Forecast of the evolution of Geography of Scientific Discipline: Soviet Geography. Sept. 1976. pp. 421- 427 .

Guelke, Leonard. "Regional Geography". The Professional Geographer. Feb. 1977. pp. 1-7.

Harrison, D. James, "what is Applied Geography?". The Professional Geographer. August 1977. № 3 pp. 297-299.

House W. John. "Applied Geography in Britain". Human Geograpy in France and Britain. IBG. 1976. pp. 45-49.

Kalesnik. V. S. Davitaya. E. F. "The tasks of Soviet Geography in Supporting Soviet Economic during the 10th Five-Year plane". Soviet Geography. April 1976. pp. 217-220.

Kolars. F. John. and Nystuen. D. John. Human Geography. McGraw-Hill. 1974. pp. 110-124.

Lanegran, A. David, "The AAG at New Orleans". area. vol 10, № 5, 1978 pp. 300-302,

Leach Bridget. "Social Geography Study Group". area vol. 10, 1978. № 1, p. 73.

Mattingly F. paul. "on the value of Geography in Planning Practice". The Professional Geographer . August 1974, № 3. pp. 310-314.

Mayer, Robert , Social Planning and Social Change . prentice-Hall. 1972. p. vii.

Peet, Richard. "The development of radical geogra-phy in the united States". progress in Human Geography. Edward Arnold, vol 1, № 2, 1977. pp. 241-261.

Robinson J. Lewis. "The Production and employment of Geographers in Canada". The Professional Geographer. May 1977. pp. 208-213.

Shul'gin "The Study of Spatial diferences in Cult-ural enlightenment Services". Soviet Geography. June 1977. pp. 403-405

Shaw, Dennis . "Ceography in higher Education in the Ussr". Journal of Geography in higher education. Autumn. 1977. pp. 35-39.

Smith, M. David. Human Geography. Edward Arnold 1977. p. 3.

Stone, H. Kirk. "Geographical Aspects of the Limits to growth Concept". the Professional Geographer . November 1976. № 4. pp. 336-340.

Taaffe. J. Edward. Geography. Prentice Hall . 1970 . pp. 104-118.

Tuan, Yi-Fu. "Humanistic Geography". Annals of the

Association of American Geographers, vol 66. № 2. 1976
pp. 266-276.

Yermakov. G. Yuriy. "Some Observations on Geographic Education in American University". Soviet Geography. March 1978. pp. 206-213.

Wise. J. M. "Geography in Universities and Schools". Geography. November 1977. 249-257.